

«سرگیجه» منطقی

سریال دیوار ساخته سیروس مقدم مسائل خانوادگی و پلیسی را با هم پیوند می‌دهد



سریال دیوار ساخته سیروس مقدم مسائل خانوادگی و پلیسی را با هم پیوند می‌دهد. جام جم آنلاین: برخی از کارگردانان و بازیگران هستند که با دیدن نامشان در تیتراژ فیلم یا سریال، این احتمال قریب به یقین می‌شود که مخاطب قرار است با یک برنامه جذاب روبه‌رو شود. سیروس مقدم از آن دست کارگردان‌هاست. سریال‌های موفق که مقدم در کارنامه‌اش دارد، نشان می‌دهد او در شناخت ذائقه مخاطب مهارت دارد و می‌تواند مخاطب گریزان تلویزیون را به امید دیدن یک سریال به‌یادماندنی پای این رسانه بنشانند. اگر به سریال‌های پیشین ساخته مقدم نگاه کنید، اسم مجموعه‌های محبوب و پرطرفدار زیادی به چشم می‌خورد. مجموعه‌هایی که یکی دو سال اخیر به کارگردانی مقدم روی آنتن تلویزیون رفته‌اند؛ زیر هشت، پایتخت، تأثیرا، چک برگشتی و این روزها هم مقدم سریال «#171دیوار» را روی آنتن شبکه یک دارد.

همکاری مقدم با سعید نعمت‌الله از سریال «#171رستگاران» شروع شد و با زیر هشت ادامه پیدا کرد و الان در دیوار محصول جدید این همکاری را می‌بینیم. دیوار به مناسبت هفته نیروی انتظامی ساخته شده است. بنابراین نمی‌توان لزوم وجود بخش‌های پلیسی در فیلم را نادیده گرفت. (در دیوار زندگی خانوادگی یک پلیس و یک خلافکار که با هم نسبت فامیلی هم دارند به صورت موازی بررسی می‌شود). جمیل (مهدی سلطانی) 15 سال زندانی بوده و یونس (آتلیا پسپانی) را مقصر این اتفاق می‌داند و از او کینه به دل دارد، اما یونس که سرهنگ است، وظیفه قانونی دارد و نمی‌تواند بر خرابکاری‌های جمیل سرپوش بگذارد. وظیفه قانونی یونس، نکته‌ای است که هر از چند گاهی در قالب دیالوگ بین دو نفر به مخاطب گوشزد می‌شود. در واقع در طول سریال چند بار این فرصت به یونس داده می‌شود تا درونیات و افکار خود را با صدای بلند توضیح دهد و به وسیله جهان‌بینی شخصی‌اش به مخاطب بفهماند که پلیس چه کسی است و کارش چه ارزشی دارد. معمولاً در فیلم‌ها و سریال‌های کم‌اهمیت می‌بینیم این توضیح دادن آنقدر کش پیدا می‌کند که فیلم تبدیل به بیانیه‌ای تصویری در مورد موضوع مورد نظر می‌شود، اما در دیوار این اتفاق به شکل دیگری می‌افتد. نعمت‌الله با گنجاندن تعاریف در دیالوگ‌های یونس و بقیه در دل داستان پرکششی که طراحی کرده، تعاریف مورد نظرش را هم به ذهن مخاطب تلقین می‌کند. البته نعمت‌الله هم در آثار پیشینش و هم در دیوار ثابت کرده که در چیدن کلمات و ساختن جملات تفکربرانگیز و زیبا مهارت دارد. ایدئولوژی و تعاریفی هم که یونس ارائه می‌دهد دارای همین صفات است. همان‌طور که دیالوگ بر زبان خلافکارهای سریال هم خوش‌آهنگ و مناسب به نظر می‌رسد. در بعضی از فیلم‌ها و سریال‌ها می‌بینیم که برای زیباتر شدن و وزین‌تر شدن کلامی که جاری می‌شود، از ترکیب‌های پرطمطراق استفاده می‌شود تا حدی که بیننده دوست دارد سریال را لحظه‌ای متوقف کند تا دیالوگی که رد و بدل شده را هضم کند. البته در دیوار گاهی این اتفاق می‌افتد و آن زمانی است که یکی از شخصیت‌ها پشت تریبون نامرئی قرار می‌گیرد و آنچه در سر دارد بر زبان می‌آورد، اما بیشتر اوقات می‌بینیم لحن و لغاتی که برای شخصیت‌ها استفاده می‌شود، مناسب با تعریف شخصیت آنها و همین‌طور موقعیتی است که در آن قرار گرفته‌اند و این به چند بعدی شدن شخصیت‌ها کمک می‌کند. برای مثال، یونس وقتی در مقابل پسرش قرار می‌گیرد، نسبت به وقتی که با یک مجرم یا متهم طرف است، از دستور زبان و دایره لغاتی متفاوت استفاده می‌کند و این نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری شخصیت اوست.

از معرفه‌های مجموعه‌های ساخته سیروس مقدم، نحوه فیلمبرداری آنهاست. همه شخصیت‌های اصلی دیوار در شرایط بحرانی قرار می‌گیرند و آنچه آنها را در چنین شرایطی گرفتار می‌کند واکنش‌های خودشان به مسائل و اشتباهاتی است که در گذشته مرتکب شده‌اند. سرگردانی آنها در شرایطی که گرفتن تصمیم درست سخت است، با سرگردانی دوربین همراه است.

نکته: همه شخصیت‌های اصلی دیوار در شرایط بحرانی قرار می‌گیرند و آنچه آنها را در چنین شرایطی گرفتار می‌کند واکنش‌های خودشان به اشتباهاتی است که در گذشته مرتکب شده‌اند سرگردانی آنها در شرایطی که گرفتن تصمیم درست سخت است، با سرگردانی دوربین همراه است

دوربین همیشه در حرکت است و از زاویه‌هایی به داستان نگاه می‌کند که شکلی تجربه‌گرا دارد. البته حالا که مقدم تجربه فراوانی در استفاده از این نوع فیلمبرداری در کوله‌بارش دارد، دیگر نمی‌توان حرکات‌های دوربین و سرک‌کشیدنش از زاویه‌های نامتعارف را فکر نشده و به منظور تجربه‌اندوزی تلقی کرد. گاهی این حرکات پیچیده و لرزان، با کات خوردن به تصاویری که خارج از زمان و مکان اصلی می‌گذرد، ترکیب می‌شود. مثل وقتی که همدستان جلیل سراغ چند نفر دیگر از افرادشان که در چوب‌بری مشغول کار هستند و آنها را تهدید می‌کنند. در اینجا می‌بینیم دوربین در فاصله‌ای بین درگیری‌ها به صورت مرتب و مکرر کار دستگاه‌های سنگ‌بری را نشان می‌دهد. با طولانی شدن این صحنه و ادامه پیدا کردن رفت‌وآمد دوربین که انگار سرجای خودش بند نیست، لرزش‌های زیاد و حرکات پراغراق، کم‌کم بیننده را دچار نوعی دوران می‌کند. درست است که این حرکات هیجان‌کار را بخوبی به بیننده منتقل می‌کند، اما گاهی آن قدر ادامه پیدا می‌کند که حالتی سرگیجه‌آور به خود می‌گیرد و تمرکز بیننده را از بین می‌برد.

با تمام این اوصاف، سیروس مقدم با ارائه کارهای تحسین‌برانگیز پیشین‌اش، این امید را به بیننده می‌دهد کاری که از روی سهل‌انگاری و بدسلیقگی ساخته شده باشد، نیست. دیوار هم مانند مجموعه‌های پیشین مقدم داستانی جذاب دارد که به شکلی ماهرانه به تصویر کشیده شده است و مخاطب را متقاعد می‌کند تا آخرین قسمت آن را دنبال کند.

البته این که سریالی برای نشان دادن قوت و قدرت یک مجموعه مثل پلیس ساخته شود، با این که در یک سریال خانوادگی یا اجتماعی شغل یکی از شخصیت‌ها وابسته به آن مجموعه باشد خیلی متفاوت است. با این که در دیوار مسائل خانوادگی بسیار مهم و پررنگ است، اما مسائل مربوط به پلیس هم پا به پای آن توصیف می‌شود.

شروینه شجری کهن / جام جم